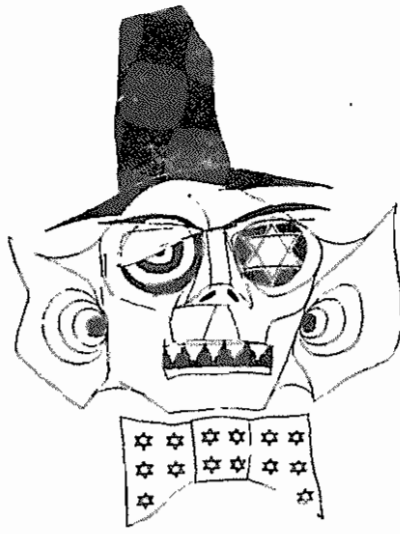


بیگانه و اندیشه بیگانه

چگونه تبلیغات رژیم ضد انقلابی سرنگون شده، در رژیم انقلابی امروز از جانب بر خیبایی کم و زیاد تکرار میشود



معروف به «آقای ارکید»، علیه «ایدئولوژی وارداتی» غرب و غرب می فرمودند. شعار رژیم آمریکایی پهلوی و سرمایه داری وابسته سرسپرده این رژیم، شعار «دست ایران، بفکر ایران، برای ایران» بود. آقایان، که هر کدامشان با هزار رخ به امپریالیسم پیوند داشتند، از کوروش و داریوش نژادهای پائین تر نمی آمدند و چنانچه بحد درضا، «آریامهر» و خورشید نژاد آریا لقب داشت. انصار ایرانی بودن تمام و کمال در اختیار این موجودات خیانت پیشه قرار داشت. شاه میگفت: هر کس با من مخالف است، اصلا ایرانی نیست!

حالا هم عین همان مزخرفات ارتجاعی را افرادی با عناوین مدروز تکرار میکنند. هدف اصلی ابتدا تغییر نکرده است. «بیگانه» در درجه اول یعنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی. «اندیشه بیگانه» هم یعنی مارکسیسم. والا امپریالیسم ما مقدمه مرافعاتها، که البته صد البته صد درصد مبنی پرست اصل هستند و افکار وارداتی «چپ» و راست آمریکایی یا محافظ اطراف و کثافت سادات و ملک حسن بورنیه و غیره و امثال آنها، که از طرف عدهای بخورنده آماده میشود، که البته صد البته صد درصد ایرانی است، حتی «کتبی» و «اسلامی» هم هست!

ما بر خلاف این جماعت ابتدا فکری نمی کنیم که مسئله بر سر بیگانه و غیر بیگانه باشد. مثلا مبارزان فلسطینی (ویا مبارزان ضد امپریالیست دیگر) «بیگانه» اند، ولی دوست انقلابی ایرانند و حال آنکه سپید اویسی و سپید ازاری گویا صد درصد ایرانی هستند، ولی دشمن انقلاب ایرانند. هر مبارز ضد امپریالیست صدیق، در هر جای دنیا باشد، بر میلیونها چنین ایرانی ترجیح دارد. ایرانی ستمگر وجود دارد و بیگانه ستمگر و این بیگانه ستمگر بر آن ایرانی

عمال امپریالیسم، رژیم گذشته و عناصر و سازمانهای راستگرا و چپانما، که به مسخ و تحریف حقایق و واقعیات سخت ذی علاقه اند، در تمام مقامات دستگاه دولتی، رسانه های گروهی و مطبوعات و انتشارات کشور پایگاههای جدی دارند و از این پایگاهها بدون خستگی، گاه در پرده و گاه بی پرده (غالباً بی پرده)، برای بخش انواع و اقسام نظریات خود استفاده میکنند.

معمولا تبلیغات رایج دنیوی تقسیم میکنند: تبلیغات سفید یارسی و کتبی و تبلیغات خاکستری یا غیر رسمی و پانی. عمل تبلیغاتی ارتجاعی راست و چپها معتقدند که در تبلیغات خاکستری، که سند و مدرک پدست نمی دهد و سمیت ندارد، میتوان حرفهای زد که ذکر آنها در تبلیغات رسمی و بیوزیر کتبی دشوار است. لذا با شایعه و مجرک و گپهای «پاسفلی» سیاسی عجیبی علیه انقلاب و نیروهای استین انقلابی عمل می آید.

ولی متأسفانه در تبلیغات رسمی هم حرفهای بی سوز و کمر نیست. مثلا در عمده ترین رسانه گروهی، یعنی رادیو تلویزیون، کسانی که تنه پاه قاضی میروند، کسانی که بسپک مرحوم ساواک، هر مارکسیستی را بعنوان نوعی قضیه پدید می آورند، می دانند، عجیب می اندازی میکنند.

مردمان را در میان میانه آریا، مسئله «بیگانه» و «اندیشه بیگانه» بیان آمد، آقا چنان شیرین زبانی میفرمودند که باو بین!

ولی سخن، سخن کهنه است. وقتی دیانت اسلام به بران آمد، بقایای هیئت خاکه آنروز، همین سخنرا میان آوردند و مردم را از «دیو» و «انیران»، که «پرانشر» آلوده است، ترسانند. صحبت پرس آن بود که «نژاد» که ما از این میانه آریا، میروند و پدید می آید، جای کیش «په دینی» را بگیرد. حتی در شاهنامه نیز این اندیشه منعکس شده است: نژادی پدید آید اندر میان نه ترک زه ایران نه تازی بود سخن ها بگرد بازای بود ولی غیرم این معیان، اسلام در کشور مانع فکری بدایش یک تمدن غنی تر شد. لازم به سیر و سفر در سده های و گذشته نیست. در همین عرصه پهلوی، جناب هویدا،

انقلابی که به جنبش ما، مبین ما و ترقی آن سود رساند، بسیار بسیار خوب است، اگر چه واضح و آورنده آن اندیشه آلمانی، فرانسوی، آمریکایی یا روس باشد. اندیشه های که به ما و آزادی و استقلال و ترقی ما زبان رسانده، مهمل است، اگر چه یک ایرانی آنرا پرورش دهد و عرضه کند.

محور اساسی فضاوت عبارتست از «منفعت تاریخی خلق» و شعار تاریک و عوام فریبانه «اجنبی» و «فکر اجنبی» مطلبی را حل نمیکند. یک حق بازاری، یک مغفله صرف است. روشن است که ما هوادار استقلال و تمامیت ارضی کشوریم و بر آنیم که ایران مال ایرانی است و باید بوسیله ایرانی اداره شود. ولی این ایرانی حق دارد و باید در میان «بیگانگان»، دوستان و دشمنان خود را بشناسد. باید به دوستان تکیه کند. باید با دشمنان به رزمند. این ایرانی حق دارد و باید در میان افکار «بیگانه»، از علم و هنر و فلسفه و اخلاق، آنچه را که لازم میدانند، برگزینند.

مثلا آیا میتوان نظریات علمی اینشتین را بعلت آنکه «بیگانه» و «پیودی» است نفی کرد؟ آیا می توان دوستی و یاری و محبت و بی دریغ خلق را، به گناه «بیگانه» بودن آنها، نپذیرفت؟ مگر امام خمینی، زهر انقلاب، از جنبش مستضعفین جهان صحبت نمی کند؟

شاید ملاک تشخیص بیگانه در نزد آقایان که در رادیو داد سخن میداد، عینا مانند «علیحضرت»، مربوط به سلسله شخصی خود اوست؛ برای «علیحضرت» مثلا مستر هلمس از نواده های ناز نازی کوروش و داریوش بود، ولی فلان نفتگر قفقازی «اجنبی» سبیل کلفت خنجر بدست خطرناک از آب درمی آمد، برای او، شعر «همه بندگانیم خسرو پرست»، شعار مقدس بود، ولی «طبقه کارگر» باید علیه پیره کسی مبارزه کند، ایدئولوژی وارداتی!

با کمال تأسف امروزه روز، پس از انقلاب، عینا همان مزخرفات، بی کوز و باد در گلو، باوازه های برزق و برق، از جانب برخی، آتم از بلند گویای رسمی، تکرار میشود. یکی نیست جلو این بلبل زبانی های جاهلانه و موزیانه را بگیرد؟

واقعا شورش را در آورده اند. آیا وقت آن رسیده است که رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی نسبت به محتوی گفتارها توجه کند و آموزش سالم، و بسپینده را جانشین زهر اشانی مشکوک نماید؟

هر چه جدی تر افشاسازی شود، چه رده رست عوامل امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی انقلاب ما و صهیونیسم بیشتر بر ملا خواهد شد.

ستمگر در مقام انسانیت مرجع است. گرسبیه است و هماغانگ تو است. تومسیدش دان که هرنک تو است. اندیشه نیز وطن نمی شناسد، اندیشه حقیقی، علمی،

نامه زیرین به دفتر «مردم» رسیده است:

از روش هیئت دبیران کانون نویسندگان تبریز می جوئیم و بر رسی مسئله ایجاد کانون نوین را ضروری می شمیریم!

حفظ وحدت اصل تمل رعایت می کرد، روشی انحصار جویانه پیش گرفت و چنان عمل کرد که گوئی از کانون علمی گروه بندی سیاسی مبنی است.

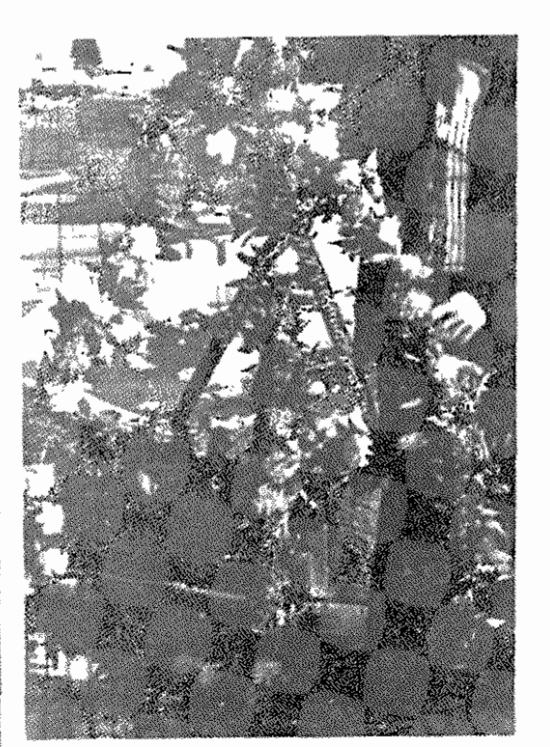
هیئت دبیران در شرایطی که میان انقلاب و دشمنان داخلی و خارجی اش یک مبارزه مرک و زندگی درگیر بود و هست، پنم کانون با نیروهای مستحکم و هم آواز شده که در کانون و ایجاد مراتب بر سر راه تحکیم و توسعه انقلاب پانشاری دارند.

هیئت دبیران در این مسئله مبنی و مورد اختلاف، یعنی بر کناری شبهای شعر و سخنرانی، نه تنها به هشدار چند تن از اعضای کانون، که چنین اجتماعی را طی ده شب توالی در محلی که پذیرای قته و آشوب است صلاح نمی دانستند، توجه نکرد، بلکه با میدان دادن به متاکی و ایجاد تشنج در آنای جلسات عمومی و با حملات شخصی و ایراد انواع تمسها در طی اعلامیه ها و مقاله ها دست به اقداماتی زد تا پنج نویسنده و شاعر و مترجم سرشناس این کشور راه، که هر کدامشان سابقه بلند مبارزه در کانون و در جامعه دارند، ابتدا به تطبیق عضویت و سپس به اخراج محکوم کند. با این عمل، هیئت دبیران مسئولیت سنگین ایجاد تفرقه و انشعاب در صفوف نویسندگان و شاعران ایرانی را در لحظات حساس انقلاب ایران بگردن گرفت.

همه مینان عزیز، هنرمندان متعهد اجتماعی که به عنوان «مجمع عمومی فوق العاده» سشنه شب زدهم دیماه ۱۳۵۸ در محل کانون تشکیل شد، پایان امضا کنندگی می بود که روش هیئت دبیران و سیاست یکجانبه اش در برخورد و اقدامات انقلاب ایران، کانون نویسندگان ایران را سرانجام بدان وق داد.

هیئت دبیران به جای وفاداری به سنت دیرینه مبارزات شدت مانون، که همواره بر خط مشترک تائید و تقویت جنبش آزادی لبانه و ضد امپریالیستی مردم ایران گام بر می داشت و در داخل مانون نیز اصل تفاهم و تحمل و احترام به عقاید مختلف را به منظور

جلیل از خاطر ه رفیق کریمی



روزی چندین ماه ۲۷ دیماه مراسم یادبود هفتمین روز درگذشت دکتر کریمی، دهقان آزاده و مبارز کلدسته در مسجد کلدسته بزارش بر گزار گردید. این مراسم که از شکوه خاص روحانی و در داد بود، با شرکت گروه کثیری از هم زمان و روحانیان اطراف له احمد آباد، ترشبه، رباط کریم، ورامین و شهرری انجام ت.

در کنار مزارش، یکی از رفقای کریمی در سخنان خود، بعد زدانی از مبارزات طولانی سیاسی و اجتماعی رفیق کریمی، همه ان را به اتحاد عمل در تدویم انقلاب و راه امام خمینی و نیز ات ضد فئودالی دعوت کرد.

در پایان ناگهکی از طرف سازمان حزب توده ایران در ی بر مزار رفیق کریمی تار شد.

یادش گرامی باد.

ما امضاء کنندگان زیر، اعضای کانون نویسندگان ایران، ضمن رد روش خود سرانه و سلطه جویانه هیئت دبیران و مشی سیاسی آن، که کار را ناچار به بی اعتباری و تلاش کانون کشانده، بدین وسیله ادامه فعالیت خود را در کانون نویسندگان مسکن نمی شماریم و استعفاي خود را از این کانون اعلام می داریم.

از آنجا که متأسفانه کانون نویسندگان ایران با وضعی که پیش آمده محتوای متعهد خود را از دست داده است، یاد آور می شویم که ضرورت تاسیس کانون، انجمن یا اتحادیه های که همه نویسندگان، شاعران، هنرمندان خدمت گزار خلق و قادیار به انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران را بر اساس تفاهم و احترام به عقاید یکدیگر جمع کند و استعداد های ادبی و هنری را در راستای حقیقت و پیشرفت بسپین نماید، پیش از هر زمانی مضمون گشته است، می توان بدین منظور به بحث نشست و به توافق مطلوب رسید.

دکتر امیر حسین آریانپور - محمداقازاده - محمود اجمالی - مهدی اخوان ثالث - مهدی اسفندیارفر - حسن اصفری - هالیال الخاص - اصغر الهی - علی آیتین - امیر لیک آکین - غلامرضا امامی - ناصر ایرانی - حسن پستک - محمد یوزهرمان - جلال جهانشاهی - بهرام حبیبی - رکن الدین خسروی - محمد خلیلی - محمد حسن روحانی - محمد زهری - جلال سرفراز - احسان پوری - جلال علیزاده - سید الله عسکری - دکتر نورالدین فریخته - بزرگ فراهانی - حسن قانبرنامه - محمد قاضی - جعفر گوش آبادی - کامبوزیا گویک - غلامحسین عتین - پرویز مسیحی - ناصر مؤذن - محمد علی صهیبت - رحیم ناهور - حضرت الله نوحیان

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

احمد از آلمان فدرال ۱۰۰ مارک غربی
جمشید از آلمان فدرال ۱۷۰ مارک غربی
مادر بزرگ از آلمان فدرال ۱۳۰ مارک غربی

توجه! از همه دوستانی که به بزرگ از حساب های بانکی حزب توده ایران وجهی واریز میکنند، خواهشمندیم فتوکی آنرا برای ما ارسال دارند.

افشاسگری های دانشجویان ...

دانشجویان مسلمان پیر و خط امام دیش افشاسگریهای خود را ادامه دادند، آنها در طی افشا چند سندهم، نشان دادند که امپریالیسم نظام جاسوس «سیا» برای پیشبرد سیاستهای آمریکا و خارج کردن امپریالیسم آمریکا از زیر ضرب، از هیچ روشی دریغ نمی نرد.

در یک سنده، کاردار جاسوسخانه آمریکا از امپریالیسم نظام «تلاشهای نظام در مورد استقرار ذخایر خاور و بار ارتش آمریکا در ایران و بازگشت دادن وسایل مخابراتی نظامی آمریکا تشریح می کند. در همین سند نظامی می گویند که دولت موقت (برای کمک به آمریکا) مشکلات فراوان داده و «بلافاصله بعد از انقلاب به این نتیجه رسیده است که همه از امام گرفته تا کمپته ها و پاسداران انقلاب وادگاههای انقلاب بر سر دولت موقت کار می کنند، امیر - نظام در این سند «بازرگان را شخصی ایده آل برای این کار (اتخاذ یک موضع قاطع در برابر عوامل مخالف) توصیف می کند، و می گوید او تنها کسی است که غیر عملی بودن برنامه های که بوسیله عوامل مذهبی ارتجاعی پیشنهاد شده است را تشخیص می دهد.

در سنده دیگر، آمریکا از امپریالیسم نظام می خواهد که نامه ای را امضاء کند تا آمریکا بتواند مسائل خود را از ایران خارج سازد، این مسائل که سپس مقدماتی از آنها توسط دادستانی انقلاب کشف و ضبط می شود، حاوی سری ترین مدارک و تجویزات نظامی آمریکا بوده است. در سنده دیگر گفته می شود که این وسائل «اگر بدست افراد نادرستی بیفتد، امنیت کشور را جدا به مخاطره خواهد انداخت» در همین سند، وسائل فوق «حیاتی» توصیف می شوند و «اهمیت آنها بیش از صد میلیون تومان ارز خارجی» که همراه این وسائل حمل می شده است، ارزیابی می شود.

دانشجویان مسلمان پیر و خط امام در ابتدای افشاسگری خود، از گروههایی سخن گفتند که توسط انحلال مجلس خبرگان مطرح - ریزی می کرده اند، امید است که با افشای اسناد بدست آمده دیگر، این گروهها مشخص و معرفی شوند.

اخبار دهقانی:

دهقانان صومعه سرا در غرب گیلان بخاطر زمین و حقوق حقه خود میر زمند

دهات کمتجان و جیره سر و نوده، واقع در صومعه سرا، شرح حال خود و زورگوییهای بزرگ مالکان را در اعلامیه ای شرح داده و یک نسخه از آنرا برای مردم فرستاده اند. از مطالب این اعلامیه چنین بر می آید که:

در این ناحیه بزرگ مالکان، با استفاده از نفوذ و زورگوییهای عناصری مثل تیمسار موحدی رئیس سابق سارک گیلان، که فعلا گویا متواری است، سرنگ ستونی و غیره بر زمینهای دهقانان صاحب نسق در رژیم طاقتور چنگ انداخته و بعد حرم آن اراضی راه که زمینهای مرتع و جزء منابع طبیعی بوده و برای تکلیف دامهای همه دهقانان در مالکیت مشاع بوده، تصرف کرده بودند. آنکه با توطئه خرابکارانه ای یک سد محلی روی رودخانه ای که از وسط زمینهای مزرعی دهقانان میگذرد، بسته بودند تا آب بالا بیاید و نتیجه زحمت دهقانان بهدر رود. در زمان سلطنت دست نشانده پهلوی، البته فریاد و شکایت دهقانان بجائی نرسید و سارک پشت پرده مالکان بزرگ بود.

اما بعد از انقلاب دهقانان زمینهای خود را میخواستند و بحق طلب میکردند که دست بزرگ مالکان کوتاه شود. در زمان حکومت سازشکار بازرگان و وزارت ایزدی، که خود از مالکان بزرگ بود، نه تنها جلوی اربابان گرفته نشد، بلکه آنها دوباره از لانه بیرون خریدند و با توسل به مقررات ساخته و پرداخته علی محمد ایزدی، حتی طرح شکایت برداشتند و در دادگستری صومعه سرا نیز اعمال نفوذ کردند و دهقانان را محکوم و به پناه ساختگی قطع چند اصله درخت، پنج تن از زارعین را بازداشت کردند. خوشبختانه در نتیجه شکایت دهقانان، سپاه پاسداران مداخله میکند و قرار میشود که با معرفی نماینده دهقانان موضوع رسیدگی شود.

کشاورزان سه ده نامبرده در اعلامیه ای که بدیوارهای دهات چسبیده اند، خطاب به همه مردم علت اقداماتی را که سپرد فتوالبها انجام میشود، افشا میکنند و مینویسند که: چگونه سه زمینداریکه دارای رابطه با دستگاه طاقتور بودند، ۱۲ سال با خدمه و تپانی کلیه زمینها و چراگاهها را از دست زارعین خارج و صدای حق - خواهی را خفه کردند، آنها مینویسند: خوشبختانه بعد از پیروزی انقلاب، بربری امام خمینی، دست این فتوالبها را از زمینهای غصب شده کوتاه کرده ایم، اما متأسفانه آنها تا زگیها از سوراخ بیرون آمده اند و هر روز دست به توطئه های تازه میزنند. اعلامیه دست نوشته ای که در دیوارهای دهات نصب شده، با این جمله خاتمه مییابد: مرک بر امپریالیسم و فتوالیسم، عامل مکنده خون دهقانان، مرک بر ارتجاع، درود بر خمینی، حامی مستضعفان، علاوه بر این، دهقانان غرب گیلان نامه ای به شورای انقلاب، با صد ها امضاء و اثر انگشت نوشته اند و نسخه دوم آنرا برای مردم فرستاده اند، که متن آن چنین است:

ما دهقانان زحمتکش ایران بخصوص دهقانان غرب گیلان، که سالها زیر ستم زمینداران بزرگ قرار داشته و همیشه از یک قطعه زمین زراعی جهت کشت محروم بوده ایم و اکنون که به دست همه ملت ایران انقلاب شکوهمند اسلامی ما بر بربری امام خمینی به پیروزیهایی نسبی رسیده است و با توجه به اینکه «شیطان بزرگ آمریکا» ملت ما را به محاصره اقتصادی قرار داده است، برای خنثی کردن دسیسه های این شیطان بزرگ آمریکا، «نژاد شکوهمند و ضد امپریالیستی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، ایجاد اقتصاد متکی بخود و رونق بخشیدن به کشاورزی ایران» - باشد، طرح پیشنهادی شورای انقلاب اسلامی به منظور تقسیم عادلانه زمین به نفع دهقانان بر زمین و همچنین نظر آقای رضا اصنافی معاون وزارت کشاورزی، که تصمیمی است منطقی و چنین تصمیمی به ریشه کن کردن فتوالیسم خواهد انجامید، مورد تائید و پشتیبانی همه دهقانان ایران، بخصوص دهقانان غرب گیلان میباشد. ما دهقانان تحریکات و دسیسه های زمینداران بزرگ را در اقصی نقاط ایران برای جلوگیری از اجرای این طرح انقلابی محکوم میکنیم.

الغای بزرگ مالکی نیاز مبرم انقلاب است، ضربه ای است به امپریالیسم توطئه گر،

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

اخبار کارگری

پیروزی کارگران و رانندگان کوره پزخانه‌های تبریز

کارگران و رانندگان کامیونهای کوره پزخانه‌های تبریز مبارزه برای رسیدن به خواسته‌های صنفی خود به موفقیت رسیدند و کارفرما پذیرفت که خواسته‌های آنها را برآورده کند. ۲۵۰۰ کارگر و راننده کوره پزخانه‌های تبریز خواسته‌ها:

زیر را مطرح کرده بودند: پرداخت مرزهای عقب‌افتاده کارگران، دادن حق مسکن اولاد، خوابگاه و غیره به کارگران، به رسمیت شناختن تعطیلات جمعه و پرداخت مزد روزهای تعطیل، دادن مرخصی سالا به کارگران، ایجاد حمام در محیط کار و رسیدگی به وضع بهداشتی کارگران.

کارفرما، که در مقابل این خواسته‌ها مقاومت میکرد سرانجام بدنبال مبارزه بیگانه کارگران و رانندگان با خواسته‌ها آنها موافقت کرد و تصدیق کرد که با اجرای خواسته‌های فوری زمینه بهداشت و رفاه و دیگر خواسته‌های کارگران، که احتیاج به وقت دارد، تسال دیگر اقدام کند.

کارگران که در این پیروزی آموخته‌اند با اتحاد میتوا به خواسته‌های خود برسند، زمینه برای ایجاد سندیکای خود فراهم میکنند.

شرایط کار در کارخانجات تولی پر به طاقت فرساست!

یکی از مجتمع‌های مهم صنعتی کشور را کارخانه تولی پر تشکیل میدهد. این مجتمع صنعتی با بهره‌گیری ظرفیت کامل تولیدی کارخانجات خود میتواند سه چهارم یا ۲۴۰ تن مواد پاک‌کننده مصرفی روزانه کشور را تامین نماید این مجتمع شامل ۲۰ کارخانه و ۲۱ شرکت است که دار ۲۰۰ نفر کارگر و کارمندان. از این تعداد ۱۵۰ نفر آنها به کارگر مشغول بکارند. بدین ترتیب این مجتمع صنعتی نه نسبتاً زیادی از کارگران را در خود متمرکز کرده است. با کمال تأسف مشاهده میشود که شرایط کار در این کارخانه برای کارگران طاقت فرساست.

هوای درون کارگاهها به علت آفستنه بودن با مواد شیمی مسموم و تنفس آن خطرناک است. بطوریکه تا بحال تعدادی کارگران در اثر استنشاق هوای آلوده آن بیمار شده‌اند. کارگر فاقد وسائل ایمنی هستند و اصول بهداشت در این کارخانه رعایت نمیشود. چالب اینکه مسئولین کارخانه بجای تهیه ایمنی برای کارگران، از آنها میخواهند که در هنگام در دهانشان پنبه بگذارند!

در این کارخانجات در مانگا عمومی وجود ندارد. شر غیرانسانی کار در این کارخانجات فقط منحصر به عدم بهداشت عمومی و وسائل ایمنی نمیشود، بلکه حقوق صنعتی کارگر نیز در این مجتمع پایمال میگردد. اکنون مدت سه ماه است اضافه حقوق کارگران پرداخت نشده و یا آنکه کارگران روز که رسامیه استخدام این کارخانجات درآمده‌اند، هنوز اضافه خود را دریافت نکرده‌اند. سیاست شوراهای عملا در خلاف منافع کارگران اعمال میشود و این باعث ناراضیاتی کار شده است.

نمایندگان کارگران در شورا بعد از انتخاب تغییر داده‌اند و دیگر از آنها در تولید مستقیم استفاده نمیشود و ترتیب بجدائی آنها از ماشین‌ها، عملاً آنها را از مشا کارگران جدا ساخته‌اند. سیاست ضد کارگری در این کارخانه‌ها، کارگر را وادار به مبارزه جدی برای بهبود حقوق و شرایط کار است. بدیهی است که در کشور انقلابی امروز ما شرایط باید چه برای انسانی داشته باشد و حقوق کارگران تماماً با اصول انسانی وعادلانه رعایت شود.

شورای کارگران کارخانه داروسازی دویار انتخاب شد

کارگران کارخانه داروسازی دویار، بعد از چند ماهی، سرانجام در جلسه روز سه شنبه ۱۱ دیماه شورای کارگران را انتخاب کردند. این کارخانه داروسازی، که متعلق به یک کارفرمای بنام دکتر ریاحی است، در حال حاضر توسط دو نماینده دو شورای کارخانه اداره میشود. قیل از انقلاب، این کارخانه تا ۹۰۰ کارگر داشت، که در حال حاضر به علت کمبود مواد، کارگر در آن فعالیت دارند.

در این کارخانه که از چند ساختمان مجزا تشکیل سصولاتی مانند قطره، قرص، پودر و غیره در ددان و سواخته، یکم از مشکلات عمده کارخانه، مشکل شورا است، که زیادی مخالف ترکیب آن هستند و عده‌ای خواهان انحلال تشکیل شوراهای دیگر. این مسائل در جلسه روز شنبه مطرح شد، اما جلسه بدون نتیجه‌گیری و با بنظمی پایان جلسه بعد روز سه شنبه ۱۱ دیماه در ناهارخوری کارخانه شد و کارگران از بین ۱۱ کاندیدا، اعضای شورای کارگر انتخاب کردند.

منازه داران میفرخواستند. این شورا که در زیر همچنین اعضاء شورابعلت عدم متدین بودن دست به اعا پیگیری در طرح طبقه بندی مشاغل، کارگری و ضد انقلابی در مورد مقرر اضافه حقوقی که اثر اعتراضات کارگران طبق طرح طبقه بندی به کارگران گردید و اعضاء آن برای تعلق میگرد، هنوز دریافت اعمال خود به فرمانداری نکرده‌اند و کارگران هنوز با وجود شدند. گرانی در دقیقه مالی قرار دارند.

حزب توده ایران از یک برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارض بسود دهقانان بی زمین و کم زمین مصممانه پشتیبانی میکند

پناهند سیاسی واقعی آن «سیاست» است

این فیلم مبتدل آمریکائی، علیه شوروی، فلسطین و اعراب و سرشار از ستایش از آمریکائی‌هاست. آیا انقلاب به سینماهای ایران راه نیافته است؟

«شوروی مصمم است هرگز اجازه نمی‌شود شدن منظره را نهد». «شوروی به فلسطین و لبنان و سایر کمتهای نظامی و سیاسی می‌کند». «شوروی از جنبش آزادیبخش فلسطین با قدرت پشتیبانی می‌کند». «شوروی مردم عرب را در رویارویی با آمریکائو صهیونیستها تنها نخواهد گذاشت». اینها «اطلاعات محرمانه‌ای» است که به قول سردار سفارت، آقای شان (یک سپاهوست دلقک، که همه کارها را به دستور حشمت انجام می‌دهد و سرپرده «سیا» و نمونه یک «جنگلن واقعی» است) «در بهای که اینبار می‌دونه...»

اما هدف دوم، که نظریه بی‌نهایت ادبیات «سازش دوا بر قدرت» را دنبال می‌کند، آبرومندی از اولی نیست! در پایان فیلم، بی‌هیچ زمینه‌ای ناگهان این حکم از پیش تعیین شده پیش روی تماشاگر گذاشته می‌شود که «گرملین و کاک سفید به توافق رسیده‌اند...» بر سر چه چیز؟ بر سر اینکه «گورنگو» به شوروی برگرداند شود تا «اطلاعات محرمانه و موقتش» فاش شود (۱) و جهان غرب سندی زنده و غیر قابل انکار در «تجاوز» شوروی در خاور میانه بدست آورد اسناد و اطلاعاتی که به تمامی نمایانگر بی‌چون و چرای پشتیبانی و کمک‌های و ممنوی ایمن کشور به جنبش آزادی بخش فلسطین و خلق عرب است.

امامنطق آقای «دسلر» چندان هم بی‌پشتوانه نیست. او هم صدا با سازمانهای «توریستی-انگلیسی» امپریالیستی و جنگ‌های «نظریه سازی» مائوئیستی در خدمت اشاعه «نظریه سازش» و «بر قدرت» که هر هست بر بسته است، تا هم از قافله تأثیر پذیری از جوسپاسی حاکم عقب نیفتد و هم از این نمدا کلامی برگردد. گذشته از آن نگاهمهربان و نوازشکی کارگران محترم نسبت به سرمایه‌داری جامعه آمریکا و آمریکائیان «متمدن» در سراسر فیلم جز این نمی‌تواند. در حالیکه همین نگاه هنگامیکه به سوسیالیسم به اتحاد شوروی، به انسانهای پرورش یافته در آن جامعه و نیز خلقی با خاسته عرب متوجه می‌شود، از کین و نفرت و غرض سرشار می‌گردد بی‌اشراق اکثر سحنه‌های فیلم را می‌توان گسوا این ادعا گرفت. این شخصیت پردازی شوروی و آمریکایی گرفته تا آنجا که سفر محترم آمریکا، در همان تریز لحظاتی که انبوه جمعیت با شعارهای رسواکننده، «اخراج آمریکایی‌ها» را از کشورشان می‌طلبند، حاضر نیست از نیروی بیشتر پلیس کمک بخواهد! در حالیکه «وحشیگری‌های روسها که امری است مسلم»

همچنین شیوه نگرش «دسلر» به اعتراضات و تظاهرات و باخیزی خلق عرب دقیقاً در جهت تثبیت این «نظریه» عمل میکند. او با نگاه سفير، کاردار و نماینده ویژه آمریکا، در رویارویی با چنین «بازی‌هایی»، پوزخند می‌زند، شانه بالا می‌اندازد و تمامی خروش با وجود رسیده فلسطینیها را به مسخره میکشود، تا جائیکه در یک سحنه، وقتی کاردار سفارت آمریکا به ملاقات «دوست دختر» طنازش، می‌رود، در جواب او که می‌پرسد، چه خبر؟ می‌گوید: «هیچ چیز، بازرها «آمریکایی گمشو» بازی در آورده بودند!»

حساب چنین کارگردانی و چنین فیلمی باک نیست! به دستمایه بد، پرداختتد و فیلمبرداری بد این فیلم، دوبله بد و مبتدل آن را هم باید افزود. هنگام دیدن این فیلم بر صحنه سینماهای ایران بعد از انقلاب، این سؤال مطرح میشود که: آیا انقلاب به سینماها راه نیافته است؟ چه دستنهایی است که پرزده سینماهای ایران انقلابی، فیلم‌های ضد انقلابی نمایش میدهد؟

می‌آید تا درازای «اطلاعات موقت و محرمانه‌ای» که دارد، از عنوان «تبیث آمریکا» برخوردار شود! در طول فیلم این «دیپلمات کینه کار شوروی»، مردی کندنه زن بسیار خنگ، شقیف‌النفس، بی‌اراده، الکلی (دایم از یک بطرود کسراغ میکشد) فراموشکار، بدت ترسو (حتی از ردیف مرغهای سر بریده و پرکنده در بازار محوحت دارد) و به اصطلاح چشم‌تنگ (همیشه سیکار می‌خواهد و چندین هم‌اضافی بر می‌دارد و در جیب کتش پنهان می‌کند) و خسیس معرفی می‌شود! این خصوصیات زمانی چشمگیر تر جلوه می‌کند که در مقام «با» کنش‌های بسیار متمدنانه آمریکائوهای سفارت، محک بخورد، کارکنان سفارت آمریکا در این کشور عربی (مثل همه جای دنیا) باهوش، مدیر، مصمم، خوددار و برابرمشروب هنگام انجام وظیفه، پامنزی چون کامپیوتر، بی‌باک، سخاوتمند، (بسته بسته سیکار تصادف دیپلمات پناهنده می‌کنند) متین، خون سرد و مسلط به کار خود معرفی می‌شوند، که سر از با نشانخته تنها به «انجام وظیفه» محض، حفظ حیثیت آمریکا در منطقه مشغولند!

در گیر و دار با زنجویی و انتقال «گورنگو» به آمریکا، سر و کله «دراول کوتاره» که گویا از اعضاء سازمان به اصطلاح جاسوسی شوروی است، پیدا می‌شود، مردی غول پیکر، با حرکات عصبی و مهاجم، که به نظر زوحتیانه‌ای عمل می‌کند و چندین بار به قصد فراد بر سر ماسورین و وظیفه شناس، سفارت آمریکا کلاه می‌گذارد. در آخرین اقدامش که به منظور کشتن «گورنگو» صورت می‌گیرد، با چندین گلوله در بدن، در برابر پلیس کشور عربی، که از او می‌پرسد چه کاره است و چه می‌خواهد، با حالتی عصبی می‌گوید: «عضو ضد جاسوسی روسیه، می‌خواستم ویزای آمریکا بگیرم!» کسی که در طول فیلم، بارها و بارها، با خنجر «انجام وظیفه» حتی جاش را با هیچ می‌گیرد، ناگهان ترجیح میدهد به تبیث آمریکائو پذیرفته شود! از «منطق» آقای «دسلر»، پیش از این هم نباید انتظار داشت!

نفی مبارزات خلقیها

از لحظه ورود «گورنگو» به سفارت آمریکا، جریانات فیلم بر مبنای چگونگی خارج ساختن او از سفارت، دور از چشم خبر نگاران، دور از چشم پلیس کشور عربی و انتقالش به آمریکا چرخ می‌چورد. تلاشی و کوششی که از جاش می‌تند و تیز شد کمونیستی و ضد شوروی مزه گرفته و در جهت تقدیس و ستایش آمریکا «این عهد آزادی و تمدن» حرکت می‌کند و سرشار از سحنه‌های بز بهادر گونه و پلیسی مأمورین سفارت آمریکا به عضو ضد جاسوسی شوروی است. هم چنین تلاشی و کوششی که سرانجام به عیث صورت گرفته است، زیرا گویا «گرملین و کاک سفید» به توافق رسیده‌اند... دستمایه «پناهنده سیاسی» کلاد جهت تلقین دوم منظور زیر پرداخت شده است.

— لجن پر اکتی‌های (بی‌مایه و بی‌قمر) به سیاست داخلی و خارجی اتحاد شوروی. — سازی به اصطلاح «دوا بر قدرت» که تاگزیر نفی مبارزات خلقیها ستم دیده جهان را در بر دارد. گذشته از بازیهای تیم پر دازانه کارگردان و رنگر لاملهای غلیظی که بر شخصیت‌های این آن مأمور و «پناهنده» پاشیده است، نه تنها منظور اول «دسلر» تحقق نمی‌پذیرد، بلکه تماشاگر با انصاف و واقع بین، دقیقاً به عکس نیت اومی‌رسد. فیلم مدعی است که اتحاد شوروی «تجاوزگر» است، در خاور میانه «تقتی منفی» بازی می‌کند، به جنبش آزادی بخش فلسطین «بشت کرده است» و... در حالیکه در اطلاعات محرمانه گورنگو، دیپلماتی که از آمریکا تقاضای پناهنده می‌دارد، دقیقاً گویا بازی در جهت رد این «دعوات» و «ادعا» است، گوشه‌ای از «اسرار گورنگو» بقر اذین است.

کارگردان: گوردون هسلر
مدیر فیلمبرداری: رائل کوتار
هنرپیشگان: جک کانرز و ماکس فن سیدو
محصول ۱۹۷۲

کلانامه به اصطلاح هنری «هسلر» - کارگردان فیلم - بعنوان یکی از شیفتگان بی‌استعداد سینمای هیچکاک، کسی که با تمام کندنهش، بر حسب فریزه سودجویی، «مطلبه با زار» را قلب نمای اصلی فالیتهای هنریش قرار داده، با کوشش است. او در پی ساختن چند فیلم کار آگاهی، پنداره به همان «مسأله‌ای» برخوردار کرده که سر تحولی سینما در دهه ۶۰ با آن مواجه شد. این دهه، هر چه در جوال خود «رمانهای پلیسی و کار آگاهی» داشت عرضه کرد، همان معامین را با بزکی جدیدتر آراست، با ترفندهایی نوین پیراست و انواع واقعا جاشنی های دلبره آور و ترسناک و مرموز را به کار گرفت و تنها زمانی به «رسیدن» به نقطه پایان، اعتراف کرد که دریافت تمامی این تشبیهات نمی‌تواند از کوتاه تر شدن هر روزه صفهای این گونه فیلمها جلوگیری کند. لذا به چاره جویی نشست و تنها راه علاج را در پیچیدن نسخه نوشته شده از جانب «مغزهای متفکر» سازمانهای جاسوسی امپریالیستی دید. پیروی کردن از دستورات این نسخه هم اجری نبودی داشت و هم پاداشی اخروی، هم جیب تهیه کننده را پر پول میساخت و هم در بردی ایدئولوژیک با اردو کامسوسیالیسم ذهن بی طرف میلیونها بیبنده را مشوب میساخت. تنها می‌بایست «بهشت» سوسیالیسم، «جوسپاسی» سرشار از کزیها و کاشتها و انحرافات و ضداد... نمایانده شود.

بر این مناسبت که خط اصلی و تعیین کننده اینگونه فیلمها تاگزیر از محور تحریف و دروغ عبور می‌کند، و اقیامت ساده زندگی این کشورها، سازمانهای دولتی، نهادهای اجتماعی و حتی شخصیت «انسانهای» آن دیار از منظر «سیاستی خاص» می‌گذرد. منتهوری که سراسر طیف رنگین نور در در خود حبس می‌کند و تنها رنگ یک بکواخت و زنده سیاه را به بیرون بازمی‌تاباند، سیاهی ای که بیبنده عادی از تکرستن به آن با دارد، با کمی انصاف از پذیرش طفره می‌دود و با کمی واقع بینی از آن می‌رمد.

پیداخت چنین دستمایه‌هایی، با بکارگیری عنصری به اسم «پناهنده سیاسی»، که پای سازمان با اصطلاح جاسوسی کشورهای سوسیالیستی را نیز به میان می‌کشد، به رنگ آمیزی همچنان بر انگیز سحنه‌های پلیسی و کار آگاهی قالب می‌خورد. در امتداد سالهای دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ فیلمهایی از این دست نه تنها سحنه سینماهای کشور های غربی را فتح کرد، بلکه بخش قابل توجهی از برنامه‌های سینمایی تلویزیون را نیز به خود اختصاص داد.

«پناهنده سیاسی» نمونه بسیار بد اینگونه فیلمهاست. زیرا «دسلر» با استناد نداشتنش، بی اشکار، تنها بایس و پیش کردن حوادث از پیش تعیین شده فیلمهای «جاسوسی»، همچنان مومن به ارزشهای هنر تجارنی، خالصانه در خدمت پیچیدن نسخه «سیا» بر آمده است. فیلم با گذر سریع هوای بیامی غول پیکر پر فراز ردهای گوسفند، که در جویان عرب برای چرا به صحرا برده‌اند، آغاز می‌شود، هوای بیامی که در پهنه آسمان کم می‌شود، سرانجام در فرودگاه میلگ کشور عربی بر زمین می‌نشیند. در همین بر لنگان هوای حکمت می‌کند و نوای کرکننده موسیقی پاپ فضا را پر. در اضطراب شلوغ موزیک و هیاهوی مسافران، که وقوع حادثه ای را نوید می‌دهد، انتظار تماشاگر بیهوده مصرف می‌شود. هیچ اتفاقی نمی‌افتد، باید به داخل هواپسما بازگشت، در سکوتی محض و با حضور نظامی سالن هواپسما درخ کردن حادثه، را شاهد بود، مردی از دستخوبی بیرون می‌آید، مردی که در کنار نظامی می‌گذرد و ترسیده بر درگاه هواپسما می‌ایستد. او «مکس فن سیدو» (گورنگو) دیپلمات شوروی است که پس از ۱۲ سال زندگی سیاسی و خدمت به کشورش، به خاطر دستگیر شدن «پسر ۱۹ ساله اش»، به «خود خیانت» می‌کند. به این کشور عربی

در کارخانه نساجی شماره ۳ قائمشهر چه میگذرد؟

در کارخانه نساجی شماره ۳ دلایلی که کارگران ارائه میدارند واقع در قائمشهر حدود ۱۰۰۰ نفر این بود که، اعضاء شورا بعد از کارگر در تولید شرکت دارند. انجام مأموریت های خود صورت در این کارخانه یک شورای خراج اضافی میدادند و بدین ترتیب کارخانه تشکیل گردید. اعضاء از صندوق مالی کارخانه اختلاس این شورا موفق شدند در زیر میگردند. پوشش تقوا و پرهیزکاری اعتماد کارگران را بخود جلب کنند. اعضاء شورا با توجه به عدم وجود بعد از مدتی کارگران نسبت به اعمال اعضاء شورا مشکوک را که کارخانه برای مصرف میشوند و با لالال متعدد خوستار کارگران تهیه میکند، احتکار اختلاس شورا میکنند. یکی از میگردند و با قیمت گران تر به

حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که:

برنامه کار خود را بطور روشن و مشخص اعلام دارند تا مردم و همچنین احزاب، سازمانها و گروههایی که کاندیدای مستقل ندارند - از جمله ما - با آشنایی با این برنامه، بتوانند با آگاهی کامل انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری بعمل آورند.

حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که:

نظر خود را درباره برنامه انتخاباتی حزب توده ایران اعلام دارند تا هم مردم و هم حزب ما بتوانند با مواضع، افکار و نظریات کاندیداهای ریاست جمهوری درباره نسوا سازی اجتماعی - اقتصادی جامعه ما در قیاسه با برنامه انتخاباتی حزب توده ایران بهتر آشنا شوند و بازمی بتوانند با آگاهی کامل تری انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری بعمل آورند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان اران حزب!

استاد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیها و...) منتشر در مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیع ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

اعلامیه سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان

مبارزه خلقهای ایران برضد امپریالیسم جهانی، و در اس آن امپریالیسم آمریکا، روزهای حساسی را می گذراند. بدنبال اشغال جاسوسخانه آمریکا بوسیله دانشجویان مسلمان بروخت اسامه، می رود که به رهبری امام خمینی دستهای امپریالیسم آمریکا را از ایران کوتاه کند. ولی عوامل پزیرکار نشسته و به تحریک و خرابکاریهای خود در سراسر ایران و از جمله خوزستان شدت بخشیده اند.

حوادث اخیر خوزستان، به موازات وبدنبال رویدادهای بزن، قم، کردستان، بندرعباس و بندرلنگه، حکایت از گسترده شدن خطرهای امپریالیسم آمریکا و عوامل شاه مخلوع و رژیم بعث عراق است. بمب گذاریها و خرابکاریهای متوالی در مسیرهای حساس و هم لوله های نفت و گاز و در مراکز حساس دولتی و شهری شدت یافته است. بطور نمونه از متعجب کردن داروخانه آلمانی آبادان و خرابکاری کارخانه ایران گاز آبادان در روز ۱۹ دیماه که بر اثر آن ۷ نفر شته و صدها زیادی زخمی شده اند (که حال هشت نفر از مجروحین کنون بدست وخیم است) می توان نام برد.

عوامل امپریالیسم آمریکا؛ شاه مخلوع و رژیم بعث عراق لایه برین اعمال وحشیانه، می کوشند تا با سوءاستفاده از مشکلات اساسی زندگی و نیازها و محرومیت های شدید زحمتکشان خوزستان، از بنای انقلابی توده ها را منحرف کنند و آنها را دچار تفه ساختن بانه بیندازند. مثلاً در مسجد سلیمان مشاهده می شود که از یک طرف اهل مائوئیست وابسته به سازمان پیکار، با سوءاستفاده از تضمن کاران در فرمانداری شهر، شمارسنگونی جمهوری اسلامی ایران سر می دهند و از طرف دیگر، بهنگام برگزاری تظاهراتی که بر امپریالیسم آمریکا و برای محکوم کردن اعمال ضدانقلابی وان حزب جمهوری خلق مسلمان، صورت گرفت، ناگهان مای ملبی نما تظاهرات را بسوی فرمانداری شهر، یعنی محل سن و جایی که مسیر راهپیمایی نبود، می کشانند و جمعیت را به گیری با متعصبین ترغیب می کنند و می کوشند که شمار «مرگ کونوسیم» جای شماره های «مرگ بر امپریالیسم آمریکا» و «مرگ مفسدین، کلاژ رسادات و وکیلین» را بگیرد. امپریالیسم آمریکا و اهل آن و رژیم بعث عراق همچنین می کوشند که از محرومیت های بی خلق عرب خوزستان، که میراث شوم رژیم نیکسار گذشته است، سوءاستفاده کنند تا شاید بتوانند مانند کردستان جنگجو ادرکنی برآیندازند.

خوشبختانه توده های زحمتکش خلق عرب با هویشاری انقلابی این ستمهای تبهکارانه عوامل امپریالیسم آمریکا و شاه مخلوع رژیم بعث عراق نیت ندارند، چنانکه تظاهراتی که قرار بود در پهن پهن «دعای از حقوق خلق عرب» در ۱۲ دیماه، در شهرهای خوزستان باشد، با عدم استقبال توده زحمتکش خلق عرب ختنی گردید، تا لیکه ساد، شایر عرب، مستقر در آبادان، برپا کنندگان این هرات را عوامل آمریکا و اسرائیل و عراق شرد.

مستأفانه عدم افشای نام کلیه مأمورین ساواک در خوزستان و اتحاد تشکیلاتی انقلابی جهت پیشگیری از خرابکاریهای ضد زب و کشف و بازداشت عوامل امپریالیسم آمریکا، شاه مخلوع و مبعوثی عراق در کوه های در رفیع میرترین نیازهای مردم زحمتکش، بل اتحاد تداوم جدي بر علیه پیکاری و گران هزینه زندگی، ن مسکن مناسب برای خانواده های بی خانه و بیسازمان، محظوظ است تا قیام و محله های فقیرنشین شهرها و همچنین انجام اعمالی از قبیل لال بپمورد و غیر انقلابی شوراهای اسلامی کارگران و شوراهای ن آموزی، عین های مناسبی برای بهره گیری امپریالیسم و دل رنگارنگی ایجاد کرده است.

مادامین روزهای حساسی، که امپریالیسم امریکاعلاوه بر تلاشهای اندک، در خارج از مرزهای کشور نیز با تمام نیرو بر ضد انقلاب ک مردم ما زورده می کشد و تبلیغات دروغین راه میاندازد و ارتش از ارتقزی با اصطلاح و انکس سریع راناهای گوناگون جنگی لیج فارس و اقیانوس هند بر ضد خلقهای ایران و سایر کشورهای میانه و نزدیک آماده میکند و تمامی جهان سرمایه داری را به تحریم اقتصادی ایران میکشد، همه مردم زحمتکش خوزستان،

ما از همه مردم زحمتکش و محروم خوزستان طلب می کنیم که در شرایط کنونی هرگونه اقدام برای رفع مشکلات و نیازمندیهای اساسی و برای رفع هرگونه ستم را با ترازوی رعایت اولویت مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا بسنجند، و در دام توطئه های دشمنان رنگارنگ نیفتند و از هر شکلی از مبارزه، که موجب تضعیف وحدت خلقی و از میان رفتن دستاوردهای انقلاب شود بپرهیزند.

اعمال عرب و غیر عرب، و همه نیروهای مترقی و انقلابی در خوزستان با بهر عایت جدی و دقیق رهنمودهای امام خمینی در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و حفظ دستاوردهای پر ارزش انقلاب ایران دعوت میکند.

تنها و تنها اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی و تفاوت های ملی، در یک جبهه متحد ضد امپریالیستی میتواند جمهوری نوپیدا اسلامی ایران را بر اساس یک برنامه انقلابی مشخص در جهت از میان بردن ضد انقلاب داخلی و هرگونه وابستگی ایران به امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رفع ستم ملی و هرگونه ستم اجتماعی دیگر و در جهت پیشرفت و عدالت اجتماعی حفظ و حراست کند.

ما از همه مردم زحمتکش و محروم خوزستان طلب می کنیم که در شرایط کنونی، هرگونه اقدام برای رفع مشکلات و نیازمندیهای اساسی خویش و برای رفع هرگونه ستم را با ترازوی رعایت اولویت مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا بسنجند و در دام توطئه های دشمنان رنگارنگ نیفتند و از هر شکلی از مبارزه، که موجب تضعیف وحدت خلقی و از میان رفتن دستاوردهای انقلاب شود، بپرهیزند.

ما همچنین از مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران، چهره سر سطح کشور و چهره های سطح استان، جدا می خواهیم که بر اساس پیروی جدی از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، در راه رفع نیازمندیهای مردم «کوچ نشینان» قاطعانه و انقلابی عمل کنند، و با در نظر گرفتن پیام تاریخی امام به خلق کرد، با تأمین حقوق اداری و فرهنگی خلق عرب خوزستان در چارچوب ایرانی واحد، پیکار چیه، مستقل و ضد امپریالیست، حمایت این خلق ستمکشیده را از انقلاب ایران استوارتر گردانند. ما از مراجع صالحه می طلبیم که با انتشار لیست ساواکیها، دست این خون آشامان را از جنبش انقلابی ایران کوتاه کنند.

عمده سنگینی وظایف حفظ دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ما بر دوش زحمتکشان و در پیشاپیش آنها طبقه فیرمان کارگر است. ما اعتقاد داریم این را سخ داریم که زحمتکشان خوزستان، بویژه طبقه کارگر و در پیشاپیش آن کارگران نفت و سایر صنایع کلیدی بزرگ، از قبیل فولاد، نورد، راه آهن و آب و برق نقش تاریخی خود را به نحو شایانی ایفا خواهند کرد.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان! نابود باد دشمنان انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران!

پیروزی باد خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی! برتر از باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان
۲۵ دیماه ۱۳۵۸

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، می توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۲ تا ۱۴ صبح و از ۱۷ تا ۱۹ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند، در شهرستانها نیز دفاتر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است. متقاضیان هنگام ثبت نام حتما شناسنامه خود را همراه داشته باشند.

توجه!

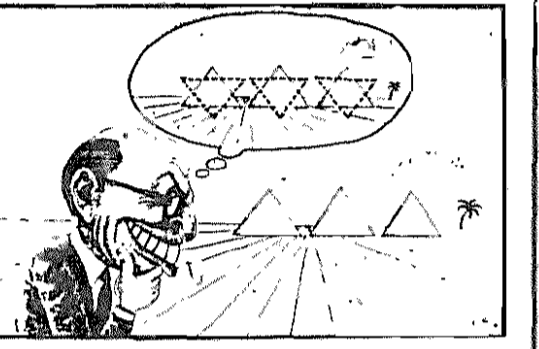
نخستین سالگرد انقلاب بزرگ و تاریخی مردم ایران نزدیک است. از تمامی دوستان، هواداران و اعضای حزب خواهش میکنیم که هرگونه اطلاع و خطر مجالب و زیبایی از دوران یکساله انقلاب دارند، هرگونه مکتوب از رویه نامه های انقلاب و همچنین کلیه اسناد و اعلامیه های احزاب، سازمانها و گروههای مختلف، که در یکسال قبل از پیروزی انقلاب منتشر شده - در دسترس دارند - اصل یا تئوکی آنها را برای «مردم» بفرستند و بوسیله سفیدات مرده را در برگزاری شبایست جشن سالگرد این انقلاب تاریخ ساز، غنر کنند. در روی پاکت بنویسید: «مربوط به انقلاب ایران».

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرسهای زیر با «مردم» مکاتبه کنند

- فرانسه: Rigal Albert, BP 75160, 75001 Paris, France
- ایتالیا: Shams, Via G. Vincon, 44, Ostia (Roma), Tel 6614922 (TUDEH)
- انگلستان: P.O. Box 141, London, E 70 PE
- سوئد: Box 27y90, 10253 Stockholm

نگارید دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند

انجمن اسلامی دانشجویان مجتمع تکنولوژی تهران، نامه سرگشاده ای خطاب به شورای انقلاب نوشته و چند سؤال را مطرح کرده است. در این نامه آمده است که اگر شورای انقلاب ادعای کند پیرو خط امام است، پس چرا در مورد استمفای حجت الاسلام لاهوتی سکوت می کند؟ چرا حجت الاسلام امید از طرف یکی از افراد با نفوذ تهدید میشود یا چرا در جهت شالیت های رضا اسفندی کارشکنی میشود و چرا شورای انقلاب نه استمفای رضا اسفندی را قبول



می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

انجمن اسلامی دانشجویان مجتمع تکنولوژی تهران، نامه سرگشاده ای خطاب به شورای انقلاب نوشته و چند سؤال را مطرح کرده است. در این نامه آمده است که اگر شورای انقلاب ادعای کند پیرو خط امام است، پس چرا در مورد استمفای حجت الاسلام لاهوتی سکوت می کند؟ چرا حجت الاسلام امید از طرف یکی از افراد با نفوذ تهدید میشود یا چرا در جهت شالیت های رضا اسفندی کارشکنی میشود و چرا شورای انقلاب نه استمفای رضا اسفندی را قبول

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

می کند و سه کارهایش را تأیید میکند. یا چرا کورت والدهایم که امام از پذیرش وی خودداری میکند، در جمله شورای انقلاب شرکت میکنند. در پایان این نامه سرگشاده خطاب به شورای انقلاب همچنین آمده است: نگذارند دوباره مستکبران بر مستضعفان حاکم شوند، نگذارند دوباره سرمایه دارها و فئودالها همانطور خون خلق مستضعف را بمکنند...

انحطاط ما لکن حق برشده هفتاد و نه سال است و این را از زده بیرون کردند. خوش نشینان - بک گروه نسبتاً پر شمار در روستاهای ایران است که در خیابان به آنسان آفتاب نشین، در آذربایجان غربی، در کردستان رشای میگویند. گروه پائین و زراعت پیشه آنان هنگام اصلاحات ارضی، چون صاحب نسق نبودند زمین نگرفتند، این واژه قشر اجتماعی یکدست و همگونی را که مناسب است واحدی با ابزار تولید داشته باشد، بیان نمیکند و از این نظر بک اصطلاح علمی نیست. باید گفت که خوش نشین ها از دو گروه عمده سوداگران روستا (بخشی از خرده بورژوازی ده) و کارگران روستا (پرولتاریات روستا) تشکیل میشوند.

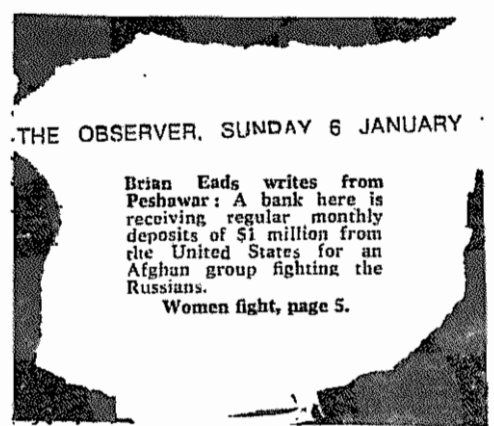
گروه اول مشتمل بر آن دسته از خوش نشینان است، که روستا نشین هستند، ولی به کار زراعت تمییز دارند و به سلف خوری، پیله وری، مفازه داری و نوزولنداری اشتغال دارند. گروه دوم بنوعی خود اندوخته عمده تشکیل میشوند، نخست پرولتره که مشتمل اند بر کارگران قالیبافی، کرباس بافی، چایبافی و کارگران نخستین بار وارد قوانین غیر مالیاتی ایران شدو در نظام زراعی ایران اهمیت پیدا کرد، زیرا بر قوانین اصلاحات ارضی، به دهقان آن مقدار زمین و آب داده شد که حق در باره آن داشتند، و به عبارت دیگر، به میزان نسق خاک آب صاحب زمین شدند. بنابراین دهقانانی که مثلاً نسق خاکشان به ۲۰۰ متر مربع یا کمتر میرسد و نسق آب آنان نیز بیش از نیم ساعت نبود، صاحب ها تقدیر زمین و آب شدند که نسق آنها داشتند، و دهقانانی که نسق خاکشان به ۲۰۰ متر مربع و بیشتر میرسد (و در آن زمین با کارگر روزمزد زراعت میکردند) و صاحب نسق آب، چندین ساعت بودند، نیز به این نسقی که داشتند زمین بدست آوردند، ریشه های دشواریهای ناشی از اصلاحات ارضی کذایی شاه مخلوع، که عادلانه انجام نگرفت، ارتباط نزدیکی به همین نسق دارد، که پایه های تقسیم زمین قرار گرفت.

معانی واژه ها...

ز چند شماره پیش در ستون ویژه ای، مردم، معانی برخی واژه ها را، که در قالات از آنها استفاده میشود، ولی مفهوم نام آنها برای همه خوانندگان روشن نیست، توضیح میدهم. ما البته کوشش میکنیم که واژه های نامأنوس را بکار نبریم، ولی سیارند مفاهیم و اصطلاحاتی که بکار رفتن آنها برای بیان واقعیتی ناگزیر است. بالا در این اواخر واژه هایی مربوط به امور علمی و کشاورزی در مقالات ما زیاد آمده، برای خود دهقانان یا سادست اندکاران، شاورزی کاملاً روشن است، ولی بسیاری خوانندگان ما علاقمندند معنای دقیق آنرا بدانند. از این قبیل است «بزرگ لک»، که کمترین بقایای فئودالیسم در روستاست و برچیدن کامل آن خواست همه دهقانان و نیازمیر، انقلاب است،

لیست ساواکیها را منتشر کنید!

ک گروه افغانی ماهانه ۳ میلیون دلار از امریکا دریافت میکند!



روزنامه انگلیسی «ایرور» (observer)، مورخ ۶ ژانویه ۱۹۷۹، گزارشی خود در پشاور، آقای بریان ایدس

ایالات متحده آمریکا بطور مرتب ماهانه مبلغ یک میلیون دلار به حساب گروهی افغانی که علیه روسیه می‌جنگند می‌دریخت (پشاور) واریزی کند. جنس می‌زند که مسلمانان شورشی افغانی از چگونه می‌مدافع می‌کنند!



حادیه بین‌المللی دانشجویان توطنه کشورهای امپریالیستی و مائوئیستهای پکن را علیه ایران محکوم کرد

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان در اعلامیه‌ای مبارزه کشور-امپریالیستی و مائوئیستهای پکن در علیه کشورهای سوسیالیستی بود، سیاسی، اقتصادی و نظامی علیه ایران را قویاً محکوم کرد. اتحادیه اعلام کرد که امپریالیسم و ارتجاع جهانی با مبارزه ناتی سیاسی جاری خود تلاش دارند به روند تهاجم جهانی و سلاح آسیب وارد کنند.

اعتصاب عمومی ساکنان کرانه غربی رود اردن و نوار غزه علیه صهیونیستهای اسرائیل

ساکنان کرانه غربی رود اردن و نوار غزه بعنوان اعتراض به صهیونیستهای اسرائیل در مورد تبدیل شرکت انرژی برق بیت المقدس شرقی به یک شرکت دولتی اسرائیل، دست به یک ماب همگانی زدند. دهها سال است که این شرکت برق مناطق پناهنین بیت المقدس و آبادیه‌های کرانه غربی رود اردن را تأمین کند. کمیته ملی و میهنی مرکب از شخصیت‌های برجسته نواحی الی و عددهای انزهر داران کرانه غربی، در پیانیه اعلام کردند این اعتصاب عمومی نشان دهنده یکپارچگی فلسطینی‌ها در رز و علیه اشغالگران صهیونیست است. نیروهای امنیتی اسرائیل مجهز به آخرین تجهیزات پلیسی ساخت آمریکا هستند، در طی حسانی کرانه غربی رود اردن مستقر شده‌اند.

ریکابز و گترین غارت‌کننده کشورهای اسلامی است

غوغای تبلیغاتی مضحک آمریکا که می‌خواهد بهانه‌ها در پیاده‌سازی با افغانستان خود را با اصطلاح مدافع اسلام جایزند، نتوانسته تا کسی را فریب دهد. از جمله تخریب الهام‌المرتب والحدولی است، «امریکا که خود بزگترین غارت‌کننده کشورهای اسلامی است، با جاذدن خود بعنوان «مدافع اسلام» می‌خواهد افزایش حضور می‌خورد در منطقه خاورمیانه توجیه کند، این تخریب یادآور بود که «هدف آمریکا آن است که بیشتر از گذشته زنی‌های مرتجع ب وسادات را مورد حمایت قرار دهد. آمریکا می‌خواهد برای این ایت و در نتیجه ادامه غارتگری‌ها توجیهی مسخره بدست آورد.»

باینده کوبا در سازمان ملل متحد: امپریالیسم امریکا طبق سرشت خود حاکمیت و استقلال کشورهای نقض می‌کند

نماینده دائمی کوبا در سازمان ملل متحد، رهبران آمریکارا با غوغای تبلیغاتی بهوده در مورد افغانستان می‌خواهند خود را افع حاکمیت و استقلال کشورها نشان دهند، محکوم کرد و گفت: پریالیسم امریکا بر طبق سرشت خود و بطور سنتی این اصول را رعایت و دست به توطئه علیه کشورهای می‌زند. «دراول روآ، نماینده کوبا گفت، در رژیم خون‌آشام پینوشه خلق‌شلی را با کمک دستور آمریکا به خاک و خون کشیده است چنین خائن‌یکن که اخیراً دست‌خود را به خون خلق قهرمان نام آورده کردند، بدسته کریانکی‌ها پیوسته‌اند.»

یاالحق، برای دوستی، پاکستان با امریکا، بهای بیشتری از ارباب می‌طلبد

ضیاء الحق، دیکتاتور پاکستان، هر گونه قیدوبندی را کنار اشته و جوب حراج منافع خلق پاکستان را بلند کرده است. والحق بدون هیچگونه جوب و حیاتی به آمریکا اطلاع داده است چهار صد میلیون دلار کمک (۱) نظامی به پاکستان برای تبدیل کشور به پایگاه تجاوز و توطئه علیه خلق‌های منطقه کافی نیست و یکا باید در مقابل این دوستی (۱) بهای بیشتری به هیئت حاکمه ستان بپردازد. اما این با اصطلاح کمک امریکا راه دوری نمی‌رود. سیاست سادی ده‌های باز پاکستان دست انحصارات امپریالیستی را در ت خلق محروم این کشور بازگذاشته است. دیر نخواهد بود یکم مردم پاکستان عطای این دوستی، هیئت حاکمه تحمیلی در با آمریکا به تقاضای ببخشند.

تلاش‌های مذبح‌خانه آمریکا جهت استتار تدارکات جنگی خود علیه ایران و کشورهای مستقل ملی منطقه خلیج فارس

همه‌جاوویژه در کشورهای اسلامی، روحیات ضد امریکائی میان توده‌های مردم این کشورها روز بروز در حال اعتلاء و گسترش است. بهمین علت آمریکا ناگزیر شده است که عمده پرسنل دیپلماتیک خود را در بیشتر کشورهای این منطقه تقلیل دهد. روزنامه «واشنگتن پست» مینویسد که در همه‌جا آمریکا را مانعی بر سر راه تحولات اجتماعی و سیاسی خلق‌ها میدانند، زیرا آمریکا در همه‌جا از نیروهای راست‌گرا و ضد انقلابی حمایت میکند، یعنی نیروهایی که در نظر مسلمانان بیاتر منافع غرب و پیرو سیاست‌های دول غربی هستند. پس مطلب بر سر انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی و مواضعی است که ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی نسبت به این انقلاب‌ها اتخاذ میکنند. چنین سئوالی مطرح است که چه وقت و در کجا اتحاد شوروی علیه روندهای انقلابی موضع گرفته و یابین انقلاب‌ها را تهدید کرده است و از آنجمله در مورد انقلاب ایران؟ اما محافل رسمی

جانب آمریکا است نه دولت دیگری. اما هدف واشنگتن از چنین تلاشی آنستکه با دامن زدن به تبلیغات ضد شوروی در رابطه با رویدادهای افغانستان، توجه محافل اجتماعی جهان را از تدارکات جنگی خود منحرف سازد. در روابط میان اتحاد شوروی با کشورهای این منطقه، بویژه با ایران، سوء ظن ایجاد کند و این روابط را به تیرگی بکشاند. ولی این تیرگی تبلیغاتی واشنگتن دیگر برای همه نیروهای اسید انقلابی و نیرو هائی، که سادگانه به استقلال و امنیت ملی کشور خود علاقمند هستند، آشناست. کشورهای مستقل ملی و قوامی جنبش‌های رهائی بخش در طول مبارزات استقلال طلبانه و رهائی بخش خود به تیرگی دریافته‌اند که اتحاد شوروی و دیگر کشورها سوسیالیستی در این مبارزات پشتیبان واقعی آنها بوده و از هیچگونه کمک و پشتیبانی بی‌شائبه نسبت به آنها دریغ نداشته‌اند. آنها طبق همین تجارب در عمل مشاهده کرده‌اند که امپریالیسم آمریکا همواره حامی و پشتیبان نیروهای ضد انقلابی و الهام بخش عملیات خرابکارانه و توطئه‌های این نیروها بوده است. اکنون خود مطبوعات آمریکا ناگزیرند باین واقعیت اعتراف کنند که در

شوروی و ضد کمونیسم، به چاپ اتحاد شوروی، مقاله‌ای تحت این عنوان در باره سیاست تجاوز گرانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و کشورهای مستقل این منطقه منتشر ساخت. در مقاله گفته میشود: دیگر حای دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا پیش خلق‌های انقلابی، که از استقلال و امنیت خویش دفاع میکنند، رنگی ندارد. امروز مقاصد واقعی دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا، که رویدادهای افغانستان و کمک اقتصاد شوروی بخاطر نجات دستاوردهای انقلاب در این کشور را وارونه جلوه میدهند، بر کسی پوشیده نیست. این تبلیغات تنها میتوانستند ساد لوح و ناوارد به مسائل سیاسی جهان را فریب دهد و می‌تواند به مذاق کسانی که به نحوی از انحاء وابستگی‌هایی به امپریالیسم آمریکا دارند، خوش آید باشد.

دستگاه تبلیغاتی آمریکا با دامن زدن هیستری (جنون) ضد

دستگاه تبلیغاتی آمریکا با دامن زدن هیستری (جنون) ضد

کنفرانس وزیران،

بقیه از صفحه ۱ اسرائیل، دشمن کشورهای اسلامی قرار میدهد و از تجاوزات صهیونیستها علیه خلق فلسطین و کشور های عرب قاطعانه حمایت میکند. کنفرانس یادآور شده که جاورجیال آمریکا درباره ایران و افغانستان برای منحرف ساختن ملت‌های عرب از مبارزه علیه خطر اصلی، یعنی اشغال صهیونیستی و تجاوز امپریالیستی و ایجاد شکاف میان اعراب و کشورهای سوسیالیستی برپا شده است. در سند کنفرانس دمشق اضافه شده است که کشورهای صهیونیستی و یابنداری عرب از ایران، که در راه زهائی از سلطه امپریالیسم آمریکا تلاش میکند، حمایت میکنند و با ملت افغانستان در دفاع از نظامی ارضی و استقلال خود ابراز همبستگی میکنند. کنفرانس دمشق یاد آور شد که آمریکا از قرارداد خائنه کمپ‌دیوید حمایت میکند و مصر و اسرائیل نیز بپناه خود در اجرای سیاست تجاوزکارانه آمریکا نقش دارند و بنابراین خشم اعراب و جهان اسلام متوجه آمریکا و اسرائیل است. کشورهای صهیونیستی و عرب اعلام کردند که تکمیل کنفرانس کشورهای اسلامی باید به تأخیر افتد و اعلام کردند که پیش از تکمیل این کنفرانس اسلامی باید مسائل مربوط به صلح معروض اسرائیل و سیاست‌های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و تازی این کشور برای ساختن یک پایگاه در مصر و عمان مورد بررسی قرار گیرد. کنفرانس اعلام کرد که سیاست مصر که می‌خواهد دوباره دوران بلوک‌بندی‌ها را در منطقه احیاء کند، باید مورد بررسی قرار گیرد. کنفرانس دمشق اعلام کرد که نباید اجازت داد که از کنفرانس اسلامی برای مقاصد دیگری استفاده شود و چون این کنفرانس در پی حمله به مسجد الاقصی در بیت المقدس تشکیل میشود، باید به مسئله بیت المقدس و فلسطین رسیدگی کند. کنفرانس اعلام کرد که امپریالیسم آمریکا با ما تواری خطرناک تلاش دارد به جنبش عدم تهمد آسیب وارد سازد و آن را از جنبه ضد امپریالیستی آن‌تهی سازد. در سند نهائی آمده است که ملت‌های عرب و مسلمان، دوستان و دشمنان واقعی خود را خوب تشخیص میدهند و ملت‌های عرب اجازه نخواهند داد به توطئه‌ای کشیده شوند که هدف آن تیر کردن روابط اعراب با

آقایان! این سوء استفاده از فرمان عفو امام است

عقل میکنند و آن تقویت دانسته یا نادانسته صدا انقلاب است. روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله‌ای تحت عنوان «دیداری از زندان اوین مینویسد، ... گزشت می‌شود. تا آنجا که ممکن است، بعضی‌ها به سوال حبس محکوم شوند تادرنه عفو امام فرار گیرند... حکم معاذره را زمانی ب اجرا می‌گذارند که مجرمین فرست کانی برای جابجا کردن اموال بدست می‌آورند... اقدامی جهت دستگیری مفسدین بعمل نمی‌آورند تا آثار جرم از بین برود و یا خود مجرم با خیال راحت فرار میکند.» (جمهوری اسلامی - ۲۵ دی ۱۳۵۸)

باید به این توصیف درست از نحوه فعالیت برخی دادگاهها اضافه کنیم که، در زندانها چنان از این جانان دیونهاد پذیرائی میشود که گوئی ایام استراحت خود را در هتل می‌گذرانند. عجب آنکه نام این همه سامحه و سهل انگاری در برابر ضد انقلاب را «عدل» اسلامی می‌گذارند. ولی عدل اسلامی هرگز اجازه نمیدهد بکسانی که بیکر فرزندان، پرادان و خواهران ما را بجرم داشتن يك اعلامیه و خواندن يك کتاب روی منقل برنی تاملر استخوان می‌سوزانند و یا زبر زنگار کوله پایه پاره می‌گردند، اینهمه گذشت شود. عدل اسلامی، یعنی ناپود ساختن دشمنان انقلاب، دشمنان جمهوری اسلامی، تا دستگیر هرگز فرصت تکرار اعمال ننگین خود را نیابد.

دستگیر و شکنجه کرده است. یک چنین سواستی همان را که قتل کرده و هم شکنجه، دادگاه، پنجاه سال مفسد الارض می‌شناسد، که بی پروا بر گرد باید تیر باران شود، اما دادرسان با گذشت، عفو امام را به کمک می‌طلبند و او را به حساب محکوم میکنند باید پرسید، در کجای فرمان عفو امام گفته شده است، کسی که اقداماتش منجر به شهادت سه یکنه شده، میتواند مشمول عفو قرار گیرد؟ در کجای عفو امام گفته شده، کسی که مستقیماً دانشجویان زیادی را شکنجه کرده است، میتواند مشمول عفو قرار گیرد؟ مگر امام خمینی در فرمان تصریح نکرده است، کسانی که مستقیماً در کشتار و شکنجه مبارزان دخالت داشته‌اند، مشمول این فرمان نیستند. باید پرسید، بجه مجوزی جانی سخت‌دلی، که در قتل و شکنجه مردم یکنه شرکت کرده، باید به حساب این محکوم شود؟ قابل دقت است که ۶ نفر از این هشت نفر عامل ایرتبه (۱) ساواک، مفسد فی الارض شناخته شده‌اند، ولی همه این مفسدین با ستاد عفو امام از مجازات اعدام معاف شده‌اند و برخی از آنان به هشت سال و ۹ سال زندان محکوم شده‌اند. قابل دقت تر آنکه، یکی از این ساواک‌ها، که طبق کیفرخواست «صدت ۹ سال در شهر تم به ضرب و شکنجه مبارزین و مجاهدین حقی طلب» اشتغال داشته، از طرف دادگاه قطع به سه سال حبس تأدیبی محکوم شده است.

محاكمه هشت نفر از عوامل مؤثر ساواک یابان یافت و مجرمان به حبس از سه سال تا اید محکوم شدند. متهمان، بنوشته روزنامه‌ها، همگی از اعضاء بلند پایه (۱) ساواک بوده‌اند، با ساواک همکاری صمیمانه داشته‌اند، به تفاوت در ایجاد جو تسرور و اختناق در سطح کشور، سرکوب تظاهرات، بنیج جفا ق بدستان، دستگیری و شکنجه، ضرب و جرح مبارزان و میهن دوستان و سوء استفاده از بیت‌المان شرکت کرده‌اند. هنگامیکه روزنامه‌ها خبر آغاز محاکمه این جانوران انسان نما را منتشر کردند و چراغ آنا را بر شردند، خود بخود این فکر به خواننده تلقین میشد که، عده‌ای از آنان بديل جنایات خود اعدام و عده‌ای دیگر به حبسهای طولانی محکومیت خواهند یافت. اما کفتری که دادگاه برای این سرکردگان مؤثر شعب ساواک، این چهره‌های دوزخی، این اهرم‌های کر و کور رژیم تسرور و اختناق در نظر گرفته، حیرت‌ناست. چگونه دادگاه‌هایی که در آغاز انقلاب از سرعت عمل و قاطعیت انقلابی برخوردار بودند، اکنون چنین به سامحه و تامل و اغماض گرا شده‌اند؟ راکه قانوناً میبایست جسامه از لوث وجودشان پاک شود، با سوء استفاده از عفو امام، از مجازات اعدام رها نینداند، تاد در صفتی دیگر از زندان آزاد شوند و با در لحظه مناسب دست‌گیری آنا را از زندان فراری دهد، تا به ایجاد کانون‌های آشوب و هرج و مرج در سراسر کشور بپردازند، چنان که می‌بینیم:

امپریالیسم امریکا همچنان سرگرم تقویت پایگاههای نظامی خود در اقیانوس هند است

دیر کل سازمان صلح و همبستگی هند اعلام کرد که تقویت پایگاه دیگروگاریا بوسیله امپریالیسم آمریکا تهدیدی علیه هند و سایر کشورهای حوزه اقیانوس هند است. این شخصیت

د ق اء ناد اتحاد همه فی وهای ضد امیر بالیستی، و دمک آتیک ایران در حبه متحد خلق

باید در راه وحدت جنبش‌های رها ئی بخش ملی کوشیدنه در جهت تفرقه آنها

گردهائی بخش در تهران، پی از تباد نظر ها در جلسات سینارها و مشاورات جداگانه بین هیئت‌های مختلف، بالاخره توانست قطننامه مشترکی را تصویب کند که بطور کلی در مجموع مثبت بود.

تصویب قطننامه مشترک برای این جبهه‌ها و سازمانها آسان نبود، زیرا با وجود خصلت عمده مشترکی که جنبش‌های رها ئی بخش ملی دارند، یعنی مبارزه علیه امپریالیسم و در راه تحصیل استقلال ملی، در عین حال تفاوت‌هایی نیز بین آنها از لحاظ نوع رهبری، راهی که برای تصرف قدرت پیش گرفته‌اند و مرحله رشد هر یک از این جنبش‌ها وجود دارد. این تفاوت‌ها که اغلب از ویژگیهای راه تکامل تاریخی خلقهای مربوطه، خصوصیات محلی و ملی، رسوم و عادات آنها، فرهنگ و تمدن آنها ناشی میشود، تا اندازه‌ای طبیعی و قانونی است. خلقها و ملیت‌هایی که با نثار خون بهترین فرزندان دایر خویش، با شهادت کم نظیر علیه دشمن مقتدر، غدار و خونخواری چون امپریالیسم، بس کردگی امپریالیسم آمریکا، مبارزه میکنند، حق دارند احترام نسبت به این ویژگیهای طبیعی و عدم مداخله در امور داخلی خویش را متقابلاً از دیگران بخواهند.

اکثریت عظیم جنبش‌های رها ئی بخش زمان مارا همکاری نزدیک با جنبش کارگری پیش گرفته‌اند زیرا جنبش اخیر در واقع جنبش مستضعفان کشورهای سرمایه‌داریست که دائماً امپریالیسم را از درون زیر ضرب نهاده، تضعیف میکنند. و این حقیقت محتاج دلیل نیست که تضعیف دشمن بمنزله تقویت خودی است. اکثریت عظیم جنبش‌های رها ئی بخش زمان مارا همکاری نزدیک با سوسیالیسم واقعی، با کشورهای

سوسیالیستی را پیش گرفته‌اند، زیرا سوسیالیسم واقعی ماهیتاً با امپریالیسم در تضاد است. سوسیالیسم بر حسب طبیعت اجتماعی خویش مخالف هر نوع استعمار و استعمارگر و متحد طبیعی جنبش‌های رها ئی بخش ملی است.

طبیعت جنبش‌های رها ئی بخش ملی است. در عمل پیش برده شده، می‌توانند فقط در مرحله اول جنبشها، یعنی مرحله قطع نفوذ امپریالیسم و تحصیل استقلال ملی، بلکه همچنین در مرحله دوم، یعنی مرحله سازندگی جامعه نوین مبتنی بر منافع واقعی خلقی (جامعه‌مکن اتمیک) نیز محمل مهم وحدت همه نیروهای مترقی و پیشرو، چه در درون هر یک از این جوامع و چه ما بین آنها باشد. از این روست که ما معتقدیم خط‌شمار امپریالیستی و خلقی رهبر انقلاب ایران، امام خمینی، فقط راه درست پیشرفت جامعه‌ماست، بلکه در عین حال میتواند به وحدت نیروهای رها ئی بخش ملی و ضد امپریالیستی در مقیاس جهانی کمک شایان و دراز مدتی بنماید.

اما وحدت جنبش‌های رها ئی بخش در صورتی ممکن است که هیچ‌جبهه، سازمان و خلقی، که خود در راه آزادی از اسارت امپریالیستی و تحصیل استقلال ملی و رفاه همگانی مبارزه کنند، در راه داخلی جبهه، سازمان و خلقی دیگر، در روابط و مناسبات متقابل بین آنها دخالت نکند. کسیکه خوانمان آزادی و استقلال است، باید به آزادی و استقلال دیگران احترام گذارد. کسیکه واقعاً هوادار وحدت همه جنبش‌های رها ئی بخش و تقویت آنها در مبارزه علیه دشمن مشترک، یعنی امپریالیسم بس کردگی امپریالیسم آمریکاست، باید روی خصلت عمده و مشترک

همه این جنبش‌ها تکیه کند، نه روی تفاوت‌های آنها. زیرا مطلق کردن حتی بر جسته کردن این رویا آن ویژگی (ملی، محلی، عقیدتی و غیره) خواست ناخواست سبب جدائی و تفرقه این جنبش‌ها و در نتیجه تضعیف آنها میشود. از این رو تلاش بعضی گروه‌ها، بویژه پس از خاتمه کنفرانس و تصویب قطننامه مشترک، درباره «تفسیر» بعضی مواد آن، در حال پارو ح عدم مداخله در امور جنبش‌ها و تحکیم وحدت آنها مغایر بود. نسامه گروه مددودی، که در چر اید تهران هم درج گردیده، در واقع نوعی اهانت به خلق افغانستان و دخالت در امور داخلی آن بود، خلقی که خود محقق و قادر به تعیین رژیم اجتماعی و شکل حاکمیت خویش است و دست دوستی نیز بوی ایران انقلابی دراز کرده‌است. این نامه در عین حال نوعی تکرار از آن تبلیغات امپریالیستی بود که مقصد اصلی آن نه تنها ایجاد تفرقه و نفاق بین خلقهای مستضعف و صعوب مختلف جنبش‌های رها ئی بخش ملی زمان ما است، بلکه در عین حال جدا کردن این خلق‌ها و جنبش‌ها از دوستان و حامیان واقعیشان، یعنی از کشورهای سوسیالیستی و در سر کز آنها اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را هدف خویش قرار داده‌است. تجربه تاریخی زمان ما بکرات و بطرز نیکانار ناپسندیر ثابت کرده است که جدائی و دوری جنبش‌های رها ئی بخش ملی از دو جنبش اصلی دیگر روند واحد انقلابی دوران ما، یعنی از جنبش کارگری و سوسیالیسم واقعی، به زیان و شکست آن جنبش‌های رها ئی بخش ملی منجر شده است. این تجربه و آزمون را نباید تکرار کرد.

رژیم‌های وابسته به امپریالیسم امریکایی چتر کنفرانس کشورهای اسلامی به دفاع از مواضع این امپریالیسم جهانخواه برخاسته‌اند

طبق اخبار منتشره در مطبوعات، بنا به پیشنهاد بنگلادش و پاکستان، روز ۲۶ ژانویه اسلامی طی یک گردهم آیی در اسلام آباد اوضاع افغانستان را بررسی خواهند کرد.

سختگوی وزارت امور خارجه عمان گفته است که سلطان نشین عمان با شرکت در اجلاس فوق العاده وزیران امور خارجه ممالک اسلامی جهت مذاکره در مورد مداخله اتحاد شوروی در افغانستان موافقت کرده است. عربستان سعودی نیز مراتب آمادگی خود را برای شرکت در این کنفرانس ابراز داشته است. بدینسان مساهت این کنفرانس و اهدافی که این گردهم آیی دنبال میکند، از پیش ساخته شده است، زیرا رژیم‌های پیشنهاد کننده و رژیم‌هایی که از این پیشنهاد پشتیبانی کرده‌اند، بهترین معرف آن هستند.

عربستان سعودی، سلطان نشین عمان، بنگلادش، پاکستان، مصر، اندونزی، سوئدان و نظائر آنها، که ظاهراً به دفاع از «مسلمانان» افغانستان برخاسته‌اند، طی قریب به یکسانی که از انقلاب بزرگ مردم ایران و جمهوری اسلامی ایران میگذرد و در تمام این مدت که امپریالیسم آمریکا با تحریک و حمایت نیروهای ضد انقلاب در درون کشور به توطئه و خرابکاری علیه انقلاب

ایران پرداخته و پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا، با تمرکز و استقرار نیروهای بزرگ دریائی و هوائی خود جمهوری اسلامی ایران را به تجاوز مسلحانه تهدید میکنند، نه فقط دفاعی از ایران نکرده‌اند، بلکه در این توطئه و تحریکات علیه ایران همکاری آمریکا بوده‌اند. در تمام این مدت، این سازمان کشورهای اسلامی، نیز یک کلمه در دفاع از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران، در مقابله با توطئه‌ها و تهدیدهای امپریالیسم آمریکا علیه ایران نکتفه است.

علاوه بر این، برخی از کشورهای عضوین سازمان مانند عربستان سعودی، سلطان نشین عمان و مصر در اوطن به آمریکا امکان داده‌اند تا از پایگاههای نظامی خود در این کشورها و از تمام تأسیسات نظامی آنها برای یاده کردن واحدهائی از نیروهای ضربتی و استقرار واحد نیروی هوائی و دریائی خود جهت محاصره دریایر و تجاوز مسلحانه به ایران استفاده کنند. بدین ترتیب این قبیل کشورهای اسلامی، نه از اسلام، بلکه از موجودیت رژیم‌های ضد خلقی

وابسته خود به امپریالیسم آمریکا و از منافع و مواضع سیاسی و نظامی اقتصادی این امپریالیسم جهانخواه دفاع میکنند. دلیل آنهم روشن است. استعمار و تحولات انقلاب ایران و انقلاب افغانستان در پیداری و بسج انقلابی خلقهای این کشورها، که در زیر ظلم و ستم رژیم‌های ارتجاعی و دست نشانده به جان آمده‌اند، موثر خواهد بود. اما نکته جالب و شگفتانگیز اینجاست که سداوسمیای جمهوری اسلامی ایران و پیاده‌ای از روزنامه‌های کشور نه فقط این واقعیات را برای مردم ایران بیان نمی‌دارند، بلکه با حمایت عملی از چنین تدارکاتی، که سر نخ آن در دست امپریالیسم آمریکاست و مجریان آن رژیم‌های دست نشانده آمریکا، افکار عمومی را در شناخت واقعیت پندیده‌ها و ماهیت رویدادها و عوض کردن جای دوست و دشمن گمراه میکنند.

می‌توان احتمال داد که بکار گرفتن چنین شیوه‌هایی از تیات ضد کمونیستی و ضد شوروی مبتکرین آن نشناخت میگرد، اما تردید ناپسند داشت که زبان چنین شیوه‌هایی بیشتر از آنکه به آماج مورد نظر آنها وارد آید، به انقلاب ایران و دستاوردهای این انقلاب میرسد.

«شمار مجدد ما آنست که، سادات، قاپوس‌ها، سودها، ضیاع الحق‌ها نوکران دست نشاندهگان امپریالیسم آمریکا هستند. آنها دشمنی کینه توزانه و آشتی ناپذیر خود را با انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران بارهانشان داده‌اند. امپریالیسم آمریکا هر که بعنوان دشمن اصلی مردم ایران شناخته شده است، اینها هستند که میخواهند «کنفرانس اسلامی» را برای «محکوم کردن» اتحاد شوروی و افغانستان تشکیل دهند. نباید در چنین دامی افتاد.

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت ننگین و متفوق نشاندهان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود شهادت رسیده‌اند، جمع آوری کند. از همه میهن دوستان آزادی خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. پاسپاس - «مردم»

رفقای توده‌ای در فرانسه سالگرد فرار شاه مخلوع را تبریک میگویند

بهترین درود ما را بمناسبت ۲۶ دی، سالگرد فرار شاه مخلوع بهمه مردم ایران و رفقا ابلاغ کنید. باشد که مبارزه ما در مرحله کنونی انقلاب ضد امپریالیستی نیز به پیروزی بیانجامد.

دفتر حزب توده ایران در فرانسه

از وزارت بهداری و بهزیستی و مسئولین سازمان تامین اجتماعی داده شده، ولی هنوز هیچکس از این سازمان تصفیه نشده و نامها در اختیار کارکنان گذاشته نشده است.

● عمده‌ای از کارکنان وزارت نفت ایران هم در گیساران طی نامه‌ای، که رونوشت آن برای شورای انقلاب فرستاده شده، خواستار پاکسازی شده‌اند. آنها در نامه خود از جمله نوشته‌اند:

«تاکنون در این منطقه پاکسازی نشده که هیچ، بلکه افسردگی هم که بسا ساواک منحل همکاری داشته‌اند، توسط شورای کارگران با گرفتن امضاء مخالف با موافق برای تصمیم گیری بجهت بازگرداندن آنها پس کار اقدام میگرد.» این عده در نامه خود بدین سبب نوشته‌اند: «باید خاطر نشان سازیم که ما دیگر هوشیار دیدار شده‌ا و از آزادی‌هایی که با شکست و شهادت جوانان غیور وطن پرست عزیزان بدست آمده، استفاده کرده و تا پای جان با چنین توطئه‌های زیرکانه مبارزه می کنیم.» ما یک بار دیگر با توجه به واقعیات فوق اعلام می کنیم که تأخیر در پاکسازی عواقب خطرناکی برای انقلاب دارد و عملاً به امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی کمک میکنید.

تأخیر در پاکسازی، خرابکاری ادامه

اخباری که از نقاط مختلف میرسد، متأسفانه حاکی از عدم اجرای پاک سازی ازسوی و خرابکاری عوامل رژیم گذشته، با استفاده از تأخیر ۹ ماهه و تملل در امر ضروری پاکسازی است.

● چند روز پیش بدنبال اعتراض کارگران شرکت نفت اصفهان، شخصی بنام انرا نیور که بیشتر از ۱۰ سال در خدمت رژیم گذشته بوده، از کار برکنار شد، این شخص را عوامل دیگری از ضد انقلاب، که در شرکت نفت اصفهان نفوذ دارند، به عنوان مأمور به ناحیه شرکت نفت آبادان (اداره بخش) فرستادند. به این عامل رژیم گذشته در شرایط جدید روزانه ۲۰۰۰ ریال و چند ساعت اضافه کاری غیر از حقوق ثابت داده میشود که در دست قبلی از این مزایا استفاده نمیکرد.

● خرید دیگری حاکی از خرابکاری ضد انقلاب در نیروگاه برق گازی تبریز است. بر اثر این خرابکاری ها هر شب برق قسمتی از شهر تبریز خاموش میشود.

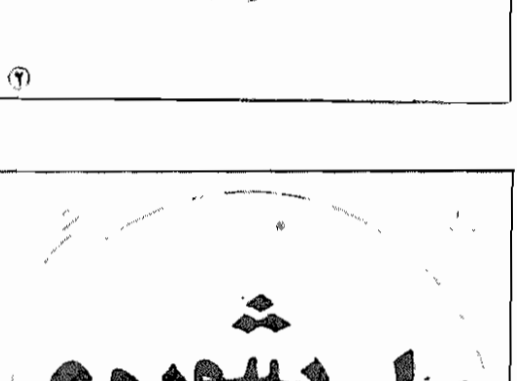
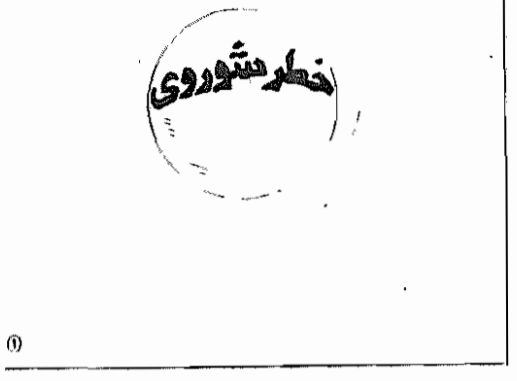
آیار است است:

● که پرویز بریانی، رئیس کمیته ضد خرابکاری ساواک در کرمان، که دستگیر شده و مسروود برای تشکیل دادگاه وی در این شهر تظاهرات به پا میشود، هنوز حقوق و مسز ایش تمام و کسالت پرداخت میشود؟

● چند روز پیش بدنبال اعتراض کارگران شرکت نفت اصفهان، شخصی بنام انرا نیور که بیشتر از ۱۰ سال در خدمت رژیم گذشته بوده، از کار برکنار شد، این شخص را عوامل دیگری از ضد انقلاب، که در شرکت نفت اصفهان نفوذ دارند، به عنوان مأمور به ناحیه شرکت نفت آبادان (اداره بخش) فرستادند. به این عامل رژیم گذشته در شرایط جدید روزانه ۲۰۰۰ ریال و چند ساعت اضافه کاری غیر از حقوق ثابت داده میشود که در دست قبلی از این مزایا استفاده نمیکرد.

● خرید دیگری حاکی از خرابکاری ضد انقلاب در نیروگاه برق گازی تبریز است. بر اثر این خرابکاری ها هر شب برق قسمتی از شهر تبریز خاموش میشود.

آیار است است:
● که پرویز بریانی، رئیس کمیته ضد خرابکاری ساواک در کرمان، که دستگیر شده و مسروود برای تشکیل دادگاه وی در این شهر تظاهرات به پا میشود، هنوز حقوق و مسز ایش تمام و کسالت پرداخت میشود؟
فرمود
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
چاپ، کلویان
MARDOM
No. 146
20 January 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.



اطلاعه:
توطئه جدید ضد انقلاب در اراک علیه حزب توده ایران
اخیراً ضد انقلاب در اراک، شیوه جدیدی را به تحریکات پیشین خود علیه حزب توده ایران افزوده است. ضد انقلابیون در خرابکاریها و باجگری مرتکبین این اعمال به بروی ماشینها ظاهراً به طرفداری از حزب توده ایران شادمانی میکنند و از این راه زبانه‌های زبانی به صاحبان ماشینها وارد می‌آورند و بدینسان مردم را علیه حزب توده اراک

باتکاء به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی، خلقی، که در سلسله انقلاب، از آنجا که...